برنامه سمت خدا
موضوع برنامه: هنر خوب زیستن
كارشناس: حجت الاسلام والمسلمين لقمانی
تاريخ پخش: 05-07-96

بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین
زهیر باش دلم تا به کربلا برسی \*\*\* به کاروان شهیدان نینوا برسی
امام پیک فرستاده در پی‌ات برخیز \*\*\* در انتظار جوابت نشسته تا برسی
چه شام باشی و کوفه، چه کربلا ای دل \*\*\* مقیم عشق که باشی، به مقتدا برسی
زهیر باش بزن خیمه در جوار امام \*\*\* که عاشقانه به آن متن ماجرا برسی
مرید حضرت ارباب باش و عاشق باش \*\*\* که در مقام ارادت به مدعا برسی
تمام خاک جهان کربلاست پس بشنو \*\*\* درست در وسط آتش بلا برسی
زهیر باش دلم، با یزید نفس بجنگ \*\*\* که تا به اجر شهیدان نینوا برسی

شریعتی: سلام می‌کنم به همه دوستان خوبم، خانم‌ها و آقایان، عزاداری‌های شما قبول باشد. انشاءالله تمام زندگی ما منور به نور امام حسین(ع) باشد و انشاءالله همه ما همواره زیر خیمه امام حسین(ع) باشیم. آقای دکتر لقمانی سلام علیکم و رحمة الله. ایام را تسلیت می‌گویم.
آقای لقمانی: بسم الله الرحمن الرحیم. بنده هم خدمت شما و همه بینندگان عزیز عرض سلام دارم. انشاءالله سلامت و سعادت و بهروزی نصیبشان شود و عزاداری‌ها به احسن وجه قبول باشد.
شریعتی: در این روزها ‌و شب ها ما را دعا کنید. خدمت شما هستیم و بحث امروز شما را می‌شنویم.
حاج آقای لقمانی:
وقتی خدا به خلقت تو افتخار کرد \*\*\* ما را برای نوکری‌ات اختیار کرد
کشتی هیچکس به دل ما محل نداد \*\*\* اما حسین آمد و ما را سوار کرد
گر روضه‌ات نبود که ما دین نداشتیم \*\*\* دین را برای ما غم تو اختیار کرد
شیعه سه ویژگی دارد. ویژگی اول گذشته‌ی سرخ، ویژگی دوم آینده سبز، ویژگی سوم رشته‌ای که این دو را به هم پیوند می‌زند. تئوریسین‌ها و نظریه پردازان غربی پس از سالها تحقیق به این نتیجه رسیدند که شیعه یک ویژگی‌های والا و صفات خاص دارد برای همین همیشه پویا و به روز است. گذشته سرخ را می‌گویند، کربلا و حسین و عاشورا. شیعه چون کربلا دارد و گذشته سرخ، از مرگ نمی‌هراسد. چون حسین دارد در مقابل ستمگران نمی‌نشیند و می‌ایستد. استقامت دارد و می‌ایستد. چون کربلا دارد هیچوقت پژمرده نمی‌شود. زندگی را جاری می‌داند. آینده سبز دارد، مهدی و قیام و انتظار! چون آینده را سبز می‌بیند افسرده و دل مرده و پژمرده نمی‌شود. همیشه امیدوار است. آینده را خاکستری و سیاه نمی‌بیند. رشته‌ای که این دو را به هم پیوند می‌زند روحانیت شیعه است. ولایت فقیه و مراجع و علما هستند. وابسته به هیچ دولتی نیستند، آزاد و آزادانه حرفشان را می‌زنند. لذا به این نتیجه رسیدند ما در هشت سال جنگ تحمیلی علیه ایران همه چیز به دشمن دادیم. فقط گذشته سرخ نداشتند، ایران داشت. شیعه این ویژگی‌ها را دارد، روضه دارد. چندین روز است که عزیزان با لباس سیاه در مجالس شرکت کردند. خودشان و فرزندانشان رفتند. روضه‌ها دو گونه است. روضه‌ی محبتی و روضه‌ی مودتی! در روضه محبتی ما فقط به زخم‌های حسین، گریه برای گریه و عزا برای عزا، در «حسینٌ منی» مانده‌ایم. این را دشمن هیچ مشکلی ندارد. در مودتی که پیامبر فرمود: «قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى‏» (شوری/23) سراغ «أنا من حسین» می‌آییم. کربلا برای امروز ماست. پویا، زنده، در مورد اول حسین مرده را برایش گریه می‌کنیم. ولی در مورد دوم برای حسین شهید گریه می‌کنیم. حسینی که برای امروز ماست. زندگی امروز ما را جواب می‌دهد. به تعبیر رهبر کبیر انقلاب که فرمود: حرف روز را سیدالشهداء آورده است. ما ملت گریه‌ی سیاسی هستیم. با اشک خود سیل راه می‌اندازیم و دشمن را با آن می‌بریم. به حرف‌های حسین می‌‌پردازیم و زندگی امروزمان را می‌سازیم. اگر بگوییم: کربلایی بود، عاشورایی بود. حسینی بود، هیچ مشکلی دشمن با ما ندارد. امروز عاشورایی هست و حسینی هست، با این مشکل دارد.
چند سالی که حمله به مقدسات در ایران مد شده بود. می‌گفتند: کسانی که لباس سیاه می‌پوشند خشونت گرا هستند. ممکن است طرف نفهمد چه می‌گوید ولی از آن طرف می‌آید. کسانی که عزاداری می‌کنند افسرده هستند. در حالی که بهترین نشاط و پویایی را عزاداران دارند. من در این زمینه کار کردم و مقاله دارم. بهترین اشک برای محبوب الهی است. اشک می‌ریزد ولی بعد حال خوب دارد. کاش همیشه اینطور باشد. لذا در عزاداری‌ها شرکت کنیم و عزاداری‌های پویا و زنده و امروزی و مودتی داشته باشیم. وقتی مودتی شد، بعد از عاشورا با قبل از محرم ما متفاوت می‌شود. وقتی در آن جلسه مرحوم سلطان الواعظین شیرازی یکی از افراد گفت: این حدیث‌ها چیست که شما بالای منبر برای مردم می‌خوانید؟ «من‏ بكى‏ أو أبكى أو تباكى وجبت له الجنه» گریه کند، بگریاند، «تباکی» بهشت بر او واجب می‌شود. ایشان عالمانه فرمود: در خود روایت جواب داده شده است. «من بکی» یعنی کسی که، نه هر ناکس! کسی که گریه کند، وقتی کَس بود و گریه کرد، حسینی می‌شود. چشمش پاک می‌شود. دلش پاک می‌شود. دستش پاک می‌شود. روضه‌های امام حسین یک دانشگاه سیار است. احکام، اعتقادات، اخلاق ما را اصلاح می‌کند. انشاءالله از این دانشگاه سیار و آموزشگاه الهی بیشترین استفاده را بکنید.
شریعتی: خیلی مقدمه خوبی برای این ایام بود. انشاءالله همه حسینی باشیم و حسینی زندگی کنیم و حسینی بمیریم. یک روایتی را در جلسات گذشته شروع کردیم و چند سؤال و چند خواسته حاجتی را یک جوانی از نبی مکرم اسلام پرسیدند، حضرت دارند فراز به فراز پاسخ می‌دهند و حاج آقای لقمانی قدم به قدم برای ما شرح می‌دهند. ادامه فرمایشات شما را می‌شنویم.
حاج آقای لقمانی: در فراز بعدی گفت: یا رسول الله دوست دارم عمرم طولانی شود. خدا مرا دوست داشته باشد. مردم هم مرا دوست داشته باشند. وضع مالی من خوب شود. وقتی عمر طولانی نباشد به چه دردی می‌خورد؟ پیامبر راهکار دادند. عزیزم اگر می‌خواهی عمرت طولانی شود، «صِل رَحِمَک» صله رحم کن! با ارحام خودت رفت و آمد داشته باش. دو سه نکته خاص بگویم که خیلی زیباست. دلم می‌خواهد این جمله را هدیه کنم به تمام دوستان گل و مخصوصاً جوانان.
یک نفر از عباس عموی پیامبر سؤال کرد: شما بزرگتر هستی یا پسر برادر شما، حضرت محمد(ص)؟ یک جمله ایشان پاسخ داد «هو اکبر منی و أنا أسن منه» او بزرگتر از من است ولی من مسن‌تر از او هستم! یک بزرگ بودن داریم، یک مسن بودن داریم. دنیا پر از کودکان کهنسال است. گاهی آرزوها همین کودکی است. ماشین بزرگ شده است. این بزرگ نشده است، گنده شده است. عمر چیست؟ در آموزه‌های دینی بسیار تأکید می‌کنند که مراقب باشید عمر سود نیست، سرمایه است! همین را امروز در برنامه سمت خدا یاد بگیریم بار آخرتمان را بستیم. عمر سود نیست، سرمایه است! سرمایه چیست، هر لحظه و هر ذره که دادیم باید در مقابلش چیزی بگیریم. امیرالمؤمنین فرمود: «إنما أنت عدد أيام‏» تو به تعداد روزهای عمرت ارزش داری. یعنی زیباتر از این نیست. پیامبر فرمودند: بیشترین عمر امت من هفتاد تا هشتاد سال است. الآن در ایران حد میانگین حدود 74 تا 77 سال است. حضرت علی در یک سخن دیگر فرمودند: روز و شب کارشان را بر تو می‌کنند، تو هم سعی کن کارت را در روز و شب کنی. او طلبش را از تو می‌گیرد و تو را پیر می‌کند. عمر تو به پایان می‌رسد مثل یخی که آب می‌شود. تو سعی کن طلبت را از روز و شب بگیری. سحرها، عبادت، وقت کارهای تجاری، وقتی که با همسر هستی، تو هم طلبت را بگیر. مبادا خدای نکرده امروز بدتر از دیروز باشد. این ایام عمر و سرمایه انسان است.
عمر را برای چه می‌خواهیم؟ عمر طولانی به چه دردی می‌خورد؟ دو نگاه در مورد عمر هست. یک نگاه سطحی نگر و عوامانه است. ظاهری و مادی است. قرآن می‌فرماید: «أَنَّمَا الْحَياةُ الدُّنْيا لَعِبٌ» (حدید/20) ما پنج دوره عمر داریم. کودکی، نوجوانی، جوانی، میانسالی و کهنسالی. مرحوم شیخ بهایی در مورد پنج دوره عمر می‌فرماید: دنیا بازی است. آبی که از گوشه‌ی لب بچه شیرخوار می‌آید، مادرها لعاب می‌گویند. لَعِب از همین است. کار بی هدف! کاری که بچه‌ها می‌کنند. «وَ لَهْوٌ» نوجوانی، سرگرمی، صبح تا شب را متوجه نیست. «وَ زِينَةٌ» خودآرایی، چهار ساعت در فلان آرایشگاه برای یک اصلاح می‌رویم. حتماً باید دکمه‌های پیراهن بنده ست باشد. تنوع خوب است ولی تنوع طلبی پدر درمی‌آورد. صبح تا شب اسیر باشد. نگاه اسلام نسبت به ظاهر آراسته «ان الله نظیف یحبُّ النظافة»، اما گاهی انسان اسیر می‌شود. «وَ زِينَةٌ وَ تَفاخُرٌ بَيْنَكُمْ» میانسالی، بچه‌ها دارند بزرگ می‌شوند. این باید خودش را نشان بدهد. تفاخر و فخر فروشی، نسبت به لباس، نسبت به منزل و نسبت به وسایل زندگی، «وَ تَكاثُرٌ فِي الْأَمْوالِ وَ الْأَوْلادِ» زیاده‌خواهی‌ها. تمام توجه‌اش به بیرون خودش است نه درون خودش! این زندگی سطحی و عوامانه است و به شدت تذکر دادند که پرهیز کنید. به خودتان برسید. «عَلَيْكُمْ‏ أَنْفُسَكُم‏» (مائده/105)، «قُوا أَنْفُسَكُمْ‏ وَ أَهْلِيكُمْ‏ نارا» (تحریم/6) لذا در جهنم که می‌رود یک خبرنگار با جهنمی‌ها گفتگو می‌کند که چرا شما جهنمی شدید؟ می‌گویند: «شَغَلَتْنا أَمْوالُنا وَ أَهْلُونا» (فتح/11) گرفتار بودیم. کل عمرمان را مشغول فرزندان و اموال بودیم. چه کار کنیم؟ چه بخوریم؟ کجا برویم؟ از بهشتی سؤال می‌کند: چه شد که شما در اعلی علیین بهشت هستید؟ «إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنا مُشْفِقِينَ‏» (طور/26) ما قبل از اینکه بیاییم نسبت به اهلمان و اطرافیانمان خیلی علاقه و عاطفه داشتیم، اما مشفق بودیم. نسبت به رفتارمان بی تفاوت نبودیم. نسبت به عاقبت آنها هراسان بودیم. عزیزم! گلم! بلند شو نمازت را بخوان اگر بابا را دوست داری. خوشگلم! اینطور بیرون نیا! یک هدیه برایش می‌گرفتیم جذب می‌شد. بازیگوش نبودیم و هوس نداشتیم.
یک خانمی می‌خواست به جشنی برود. بنا شد یک چادر بخرد. گفت: می‌روم بگردم چادری بگیرم که تک باشد! نمونه نداشته باشد. شبی هم که رفتم هرکس از من بپرسد این چادر را از کجا خریدی، نگویم! ده روز گشت تا یک چادر پیدا کرد. معمولاً برای دوختن چادر یک چادر دوخته شده برای نمونه می‌آورند. خانم پارچه را پهن کرد، چادر دوخته را آورد، یک راه با قیچی رفت! زنگ خانه را زدند. یکی از خانم‌های همسایه با ایشان کار داشت. دو تا دختر گل داشت. تا خانم رفت دم در جواب بدهد، بچه‌ها قیچی را گرفتند و مشغول شدند. پارچه را تکه تکه کردند. خانم آمد دید، تعجب کرد. اینقدر برای این چادر پول داده بود. قطعه قطعه شد! صحنه آنچنان به این خانم فشار آورد که دو سر این طفل معصوم را محکم به هم زد. بعد هم در اتاق پرتشان کرد و شروع کرد پشت در گریه کردن. شوهرش آمد دید چشم‌هایش قرمز است. گفت: چه شده است؟ فرمود: اینطور شده است. بچه‌ها را در اتاق حبس کردم که بیایی. تا در اتاق را باز کرد دید خون از دماغ هر دو طفل معصوم آمده و هردو از دنیا رفتند. گاهی بلد نیستیم زندگی کنیم. حالا تمام عالم بگویند: بَه‌بَه به این چادر! دیگر به چه دردی می‌خورد؟ چه دادیم و چه گرفتیم؟ گاهی مواقع کل زندگی انسان این است. عمر را برای چه می‌خواهیم؟ دنیا مسجد احباء الله است.
امیرالمؤمنین(ع) فرمودند: «الدنيا متجر اولياء الله» دنیا محل تجارت اولیاء الله است. چه می‌دهند و چه می‌گیرند؟ عمر می‌دهند. مسجد است، محل عبادت است. سجده را چرا سجده می‌گویند؟ چون عالی‌ترین عضو در پایین‌ترین مکان می‌آید. می‌تواند انسان کنار دریا برود اما ثواب نماز شب را ببرد. چلوکباب بخورد ولی ثواب عبادت ببرد. نیت‌ها را اصلاح کند. اینکه چطور نگاه کنیم مهم است. آیت الله بهاءالدینی فرمودند: کسانی که مرده‌ی نان و کباب هستند، هیچ حقیقتی از حقایق عالم را نمی‌فهمند. عالم عالمِ عقل است. بفهمید در زندگی چه می‌کنید؟ بعضی می‌فهمند. من سراغ دارم نوجوانانی که به قدری می‌فهمند و از عمر استفاده می‌کنند. گاهی یک شب سراغ دارم خدا شاهد است کاسب است، آیت الله العظمی، عمامه و دکتر و مهندس نیست. دامادش می‌گفت: یک شب نماز شب پدر خانم ما قضا شد. آمد به خانه ما و زار زار گریه می‌کرد که نماز شبم قضا شد.
نوه حضرت امام گفتند: یک روز رفتم به پدربزرگم سر بزنم. دیدم ایشان پریشان هستند. فکر می‌کردم امشب شب اول ماه است، دیشب شب اول ماه بوده است. اعمال شب اول ماه از ما قضا شد. «مَشْغُولَةً عَنِ الدُّنْیا بِحَمْدِک وَثَناَّئِک» انسان خرید و فروش هم که می‌‌کند رنگ و لعاب عبادت دارد. با همسرش و فرزندش هم هست، عبادت می‌کند. یا رسول الله می‌خواهم عمرم طولانی شود. فرمودند: صله رحم کن. صله را چرا صله می‌گویند؟ پیوند و اتصال، وصل شدن. ارحام چه کسانی هستند؟ کسانی که از یک رحم خارج شدند. مادر، مادر مادر، مادر مادرِ مادر! اگر بخواهیم در صله رحم امتیاز بدهیم، بنده اولین نفری هستم که صفر می‌گیرم! مادرِ مادر، چه کسانی از رحم خارج شدند. اینها تمام ارحام ما هستند. کدامشان را می‌بینیم؟ خیلی دشوار و سخت است ولی تا جایی که انسان می‌تواند. حضور فیزیکی هم لازم نیست. گاهی یک تلفن کافی است. چون بعضی می‌گویند: ظاهرشان و زندگی‌شان درست نیست. گاهی برادر من آمریکا است با او صله رحم دارم ولی با کسی که کنار من است، صله رحم ندارم. هر مقدار که انسان صله رحم بکند، خوب است. لازم نیست سفره پهن کنند. روایت داریم «صِلْ رَحِمَكَ وَ لَوْ بِشَرْبَةٍ مِنْ مَاءٍ» (كافي، ج 2، ص 151) یک لیوان آب، «ولو بشقة من الخمر» یک نصف خرما، هیچکدام را ندارند. ولو به سلام، بنده می‌گویم، ولو بالبوق! گاهی با یک بوق که می‌زند احوالپرسی می‌کند. گاهی با یک پیامک! همینقدر که انسان باخبر شود یکوقت می‌بینی چه انس و الفتی ایجاد می‌شود. طبیعتاً اینها یک سلسله پالایشی دارد، در رفت و آمدها شخصیت انسان حفظ شود. خدای نکرده توهین و تحقیر نشود. همین تفاخرها چقدر ارتباطات را کم می‌کند. قبلاً چقدر افطاری دادن‌ها زیاد بود. الآن چون تشریفات زیاد شده، افطاری کم شده است. بعضی از قرض الحسنه‌ها فامیلی هست که شرط می‌کنند یک چای و یک شیرینی، همه می‌آیند و همه هم دعوت می‌کنند. کسی هم ناراحت نمی‌شود. ولی یک زمانی چیزهای دیگر مطرح می‌شود، خود صله رحم کاهش پیدا می‌کند. این آداب را مراعات کنیم بهترین زندگی را خواهیم داشت.
شریعتی: یادی از حاج آقای حسینی قمی کنیم که انشاءالله هرجا هستند خدای متعال پشت و پناهشان باشد. گهگاهی با ایشان در ارتباط هستیم و سلام گرم برای مخاطبین می‌رسانند و انشاءالله به زودی زود شاهد حضور ایشان باشیم. ایشان می‌گفتند: اوج صله رحم این است که گره از کار بستگان و نزدیکان باز کنی، از حالشان با خبر شوی و مشکلات را حل کنی. این نکته که شما اشاره کردید که متأسفانه اینقدر درگیر حاشیه‌ها شدیم و دست و پای ما بسته شده که از این متن غافل شدیم. امروز صفحه 90 قرآن کریم، آیات 75  تا 79 سوره مبارکه نساء تلاوت می‌شود.
«وَ ما لَكُمْ‏ لا تُقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجالِ وَ النِّساءِ وَ الْوِلْدانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنا أَخْرِجْنا مِنْ هذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُها وَ اجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَ اجْعَلْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيراً «75» الَّذِينَ آمَنُوا يُقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا يُقاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقاتِلُوا أَوْلِياءَ الشَّيْطانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطانِ كانَ ضَعِيفاً «76» أَ لَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَ أَقِيمُوا الصَّلاةَ وَ آتُوا الزَّكاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتالُ إِذا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَ قالُوا رَبَّنا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتالَ لَوْ لا أَخَّرْتَنا إِلى‏ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتاعُ الدُّنْيا قَلِيلٌ وَ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقى‏ وَ لا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا «77» أَيْنَما تَكُونُوا يُدْرِكْكُمُ الْمَوْتُ وَ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُشَيَّدَةٍ وَ إِنْ تُصِبْهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ إِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هذِهِ مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ فَما لِهؤُلاءِ الْقَوْمِ لا يَكادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثاً «78» ما أَصابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَ ما أَصابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ وَ أَرْسَلْناكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَ كَفى‏ بِاللَّهِ شَهِيداً «79»
ترجمه: شما را چه شده كه در راه خدا و (در راه نجات) مردان و زنان و كودكان مستضعف نمى‏جنگيد، آنان كه مى‏گويند: پروردگارا! ما را از اين شهرى كه مردمش ستمگرند بيرون بر و از جانب خود رهبر و سرپرستى براى ما قرار ده و از سوى خودت، ياورى براى ما تعيين فرما. كسانى كه ايمان آورده‏اند، در راه خدا جهاد مى‏كنند و كسانى كه كافر شده‏اند در راه طاغوت مى‏جنگند. پس با دوستان و ياران شيطان بجنگيد (و بيم نداشته باشيد) زيرا حيله‏ى شيطان ضعيف است. آيا نمى‏نگرى كسانى را كه (پيش از هجرت) به آنان گفته شد (اكنون) دست نگهداريد و نماز به پا داريد و زكات بپردازيد. ليكن چون جهاد (در مدينه) بر آنان مقرّر شد، گروهى از آنان از مردم (مشرك مكّه) چنان مى‏ترسيدند كه گويا از خدا مى‏ترسند، بلكه بيش از خدا (از كفّار مى‏ترسيدند) و (از روى اعتراض) گفتند: پروردگارا! چرا جنگ را بر ما واجب كردى؟ چرا ما را تا سرآمدى نزديك (مرگ طبيعى) مهلت ندادى؟ بگو: برخوردارى دنيا اندك و ناچيز است و براى كسى كه تقوا پيشه كند آخرت بهتر است، و به اندازه‏ى رشته‏ى ميان هسته خرما، به شما ستم نخواهد شد. هر كجا باشيد، مرگ شما را درمى‏يابد هر چند در دژهاى مستحكم (يا ستارگان) باشيد. اگر به آنان (منافقان) نيكى وپيروزى برسد، مى‏گويند: اين از سوى خداست، و اگر بدى به ايشان رسد، مى‏گويند: اين از جانب تو است. بگو: همه چيز از سوى خداست. اين قوم را چه شده كه در معرض فهم هيچ سخنى نيستند؟ (اى انسان!) آنچه از نيكى به تو رسد از خداست و آنچه از بدى به تو برسد از نفس توست. و (اى پيامبر) ما تو را به رسالت براى مردم فرستاديم و گواهى خدا در اين‏باره كافى است.
شریعتی: طاعات و عبادات شما قبول باشد. انشاءالله به زودی زود زیارت کربلای معلی نصیب همه شما شود. این هفته از عالم جلیل القدر سید بن طاووس تجلیل می‌کنیم. کسی که لهوف ایشان جزء مقاتل معتبر ماست و جزء تاریخ کربلایی که در آن خدشه‌ای نیست. سید بن طاووس یکی از شخصیت‌هایی است که جا دارد ساعت‌ها و هفته‌ها در موردش صحبت کنیم. اشاره قرآنی امروز را بفرمایید.
حاج آقای لقمانی: آیه 79 سوره نساء می‌فرماید: «ما أَصابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَ ما أَصابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ» آیه‌ی فوق ‌العاده‌ای برای تدبر کردن است. داریم: «هرچه کنی به خود کنی، گر همه نیک و بد کنی»، «إِنْ أَحْسَنْتُمْ‏ أَحْسَنْتُمْ‏ لِأَنْفُسِكُمْ وَ إِنْ أَسَأْتُمْ فَلَها» (اسراء/7) این آیه می‌فرماید: هرچه خوبی است از خداوند است و هرچه بدی هست از نفس توست. چطور می‌توانیم ما این را تمثیل کنیم؟ کل زمین که به دور خورشید می‌چرخد چه وقت روشن است؟ وقتی که رویش به سمت خورشید باشد. «اللَّهُ‏ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ» (نور/35) اگر وجود ما به سوی خداوند باشد، نیت نورانی هم می‌کنیم. فکر نورانی و فعل نورانی، اما اگر پشت کنیم تاریک می‌شویم. حتی نیت‌های ما هم تاریک می‌شود. آیت الله بهاء الدینی فرمود: نیت‌هایتان را خیر کنید تا خداوند اختیار موجودات را به دست شما بدهد. این جمله فوق العاده است. بعضی هستند می‌گویند: خدایا برای همه خوب بخواه، به همه بده. دل همه را شاد کن. عمره می‌رود، حرم امام رضا، جمکران، سینه می‌زند، اشکی می‌ریزد. به نیت تمام انسان‌های روی کره زمین است. آمدند و از دنیا رفتند، هنوز به دنیا نیامدند. کسانی که هنوز هستند. وقتی این بالا آمد و ظرفیت پیدا کرد، ضرب در ده ثواب برای خودش می‌شود. خداوند نور است، نیت نور، فکر نور، فعل نور! دیگر چه چیزهایی نور است؟ «كَلامُكُمْ‏ نُورٌ وَ أَمْرُكُمْ رُشْدٌ» تقاضا می‌کنم روزی یک فراز از زیارت جامعه کبیره را مطالعه کنید و ترجمه‌اش را بخوانید. این زیارت سرچشمه است، اگر کسی سرچشمه آمد، خودش سرچشمه می‌شود. کلام شما نور است و امر شما رشد است. فعل شما تقوا است. «الصلاة نورٌ» نماز نور است. کسانی که اهل نماز شب هستند از چهره‌شان مشخص است و لازم نیست بگویند. اثر عبادت در وجود انسان، «الوضو نورٌ» وضو نور است.
صبح که می‌خواهید از خانه بیرون بیایید، عادت همیشگی باشد، به جای آب زدن به صورت، وضو بگیریم. شب موقع خواب که مسواک می‌زنید، وضو بگیرید. پیامبر فرمودند: با این وضو می‌توانید ظهر که صدای اذان بلند شد، نماز بخوانید. یک وضو روی آن بگیرید که دیگر نورٌ علی نور است. کسی که شب با وضو بخوابد تا صبح برایش عبادت نوشته می‌شود. دائم الوضو باشد و از دنیا برود، ثواب شهید دارد. اینها عمر را طولانی می‌کند. یکی از چیزهایی که عمر را طولانی می‌کند، دائم الوضو بودن است. بعضی از گناهان اجازه ورود به ذهن انسان پیدا نمی‌کند. اینقدر نورانی است گویی یک سپر در دست دارد. «العلم نورٌ»، «یقذفه الله فی قلب من یشاء» علم، آگاهی. عزیزان سمت خدایی یقین بدانند فرشتگان بالهایشان را زیر پای اینها پهن کردند. مجلس علم است. دعا الآن مستجاب است. ذکر نور است.
گاهی صبح تا شب ترانه می‌خوانیم. گاهی نه! پای منبر بودیم آقا گفتند: سه تا «قل هو الله» ثواب یک ختم قرآن دارد. شروع می‌کند به قرآن خواندن. به جای اینکه پشت ماشین سوت بزند، ترانه بخواند. قرآن می‌خواند. نامه اعمالش را که در روز قیامت نگاه می‌کند 87 هزار ثواب ختم قرآن دارد. عمر با برکت! بعضی‌ها ده برابر عمر ظاهری عمر می‌کنند چون به زندگی روزهایشان اضافه کردند. برکت خیلی بهتر از ثروت است. بعضی فقط ثروت را می‌بینند. حرص می‌خورند. دارایی با پریشانی همراه است. دیگر چه چیزی برای انسان نور است؟ تلاوت قرآن، مستحب است هر انسانی صبح به صبح پنجاه آیه قرآن را بخواند. روزی یک آیه را بهتر است ببیند تا شب با آن زندگی کند. «أَ لَمْ يَعْلَمْ‏ بِأَنَ‏ اللَّهَ يَرى‏» (علق/14) آیا انسان نمی‌داند خدا او را می‌بیند؟ «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحات‏» (مریم/96) ایمان و عمل صالح، با خدا رابطه را قوی کنید. «سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمنُ وُدًّا» (مریم/96) محبت شدید، همه دوستش دارند. نه سور داده، نه سواری داده و نه سوت زده است. محبت‌ها دست خداوند است. یک آیه چقدر بار دارد. زندگی انسان را آیه‌های زندگی می‌سازد. وجود انسان نورانی می‌شود. صلوات نور است. ذکر نور است. سخن زیبا نور است. نام بچه‌ها، صبح تا شب چند بار محمد می‌گوییم؟ گاهی اسم‌ها نام اشیاء است. روزی چند بار فاطمه جان می‌‌گوییم؟ نور اینها زندگی را نورانی می‌کند. میل انسان را به گناه پایین می‌آورد و بعد از مدتی تنفر از گناه به انسان می‌دهد. چرا اینطور شدم؟ بخاطر همین. انشاءالله این را خدا نصیب همه ما بکند.
شریعتی: از سید بن طاووس و عظمت این شخصیت بزرگ برای ما بگویید.
حاج آقای لقمانی: چند نکته کوتاه بگویم و بعد راه‌های افزایش عمر را بگویم. مرحوم سید بن طاووس یک عالم جامعی بودند. خیلی تلاش کردند و زحمت کشیدند. لهوف را در دوره جوانی نوشتند و در آن زمان خیلی کارساز بود یعنی روضه‌ها خیلی سست بود و گاهی با عقل سازگار نبود. ایشان آمدند به طور دم دستی این کتاب را نوشتند که رهبر عزیز انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه لهوف ایشان را آوردند و از رویش خواندند. کتاب «الیقین» ایشان در مورد اعتقادات و باورها، مجموعاً آدمی بودند که از عمرشان خوب استفاده کردند. یک نفر خواب دید هر زائر امام رضایی که دارد وارد حرم امام رضا می‌شود، یک آ شیخ عباس قمی زیر بغلش است و می‌رود. ایشان یک سال قبل از اینکه اجازه بدهند چاپ کنند، عمل کردند و بعد گفتند: حالا بروید چاپ کنید! عالم عامل اثرش را هم می‌بیند. مرحوم سید بن طاووس هم همینطور بود. خدا انشاءالله ایشان را با اولیاء الهی محشور کند و ما را مشمول شفاعت ایشان قرار بدهد.
راه‌های افزایش عمر چیزی است که همه ما دوست داریم سرمایه زندگی عمر ما طولانی شود. بتوانیم لحظه‌ها را استفاده کنیم. 1- وضو در اکثر ساعات شبانه روز؛ بعضی‌ها مشکل جسمی دارند. ولی روایت داریم تا جایی که انسان می‌تواند و جالب این است کسی که دوره نوجوانی و جوانی یک سلسله مستحباتی را انجام داده است، پا به سن بگذارد نمی‌تواند. خوابش برعکس می‌شود. روز خواب هستند و شب بیدار هستند. 2- خوشحال کردن پدر و مادر عمر را طولانی می‌کند. خوشحال کردن اولیای الهی عمر را طولانی می‌کند. 3- زیارت امام حسین(ع). همین که السلام علیک یا أباعبدالله، مشق عشق ما در محرم و صفر روزی یک السلام علیک یا أباعبدالله به نیابت از همدیگر هدیه کنیم. چقدر گره‌ها باز می‌شود. چقدر ناخودآگاه نیروی غیبی می‌آید و زندگی گشایش پیدا می‌کند. زیارت امام حسین یعنی السلام علیک یا أباعبدالله به نیابت از همدیگر.
مورد بعد حسن نیت است. حسن نیت عمر انسان را زیاد می‌کند. بد بین نبودن. مورد بعد نیکی به دوستان است. بعضی هستند خدا این توفیق را به آنها داده که دوستان خوبی دارند. هروقت وارد مسجدالحرام می‌شوند به شما دعا می‌کنند. مورد بعد کمی بدهی در زندگی است. کسانی که خدای ناکرده بدهی زیاد دارند، از زندگی لذت نمی‌برند و برایشان تلخ است. مورد بعدی صله رحم است که پیامبر فرمودند. باعث می‌شود انسان طول عمر پیدا کند و بتواند لحظه لحظه‌ها را آباد کند و به وسیله اینها بتواند آخرتی آباد و ابدیتی جاودان پیدا کند.
شریعتی: نکات خیلی خوبی را شنیدیم. امروز خیلی‌ها روضه امام حسن مجتبی و روضه حضرت قاسم می‌خوانند. همان عزیز دلی که «احلی من العسل» اش یک دنیا معرفت است. خیلی دوست داریم این لحظات پایانی را از حضرت قاسم بشنویم.
حاج آقای لقمانی: یکی از ویژگی‌هایی که تمام اصحاب امام حسین داشتند من تحقیق کردم، بحث عمر و مرگ برایشان حل شده بود. آغاز و انجام زندگی، «انا لله و انا الیه» ما گاهی مواقع شیفته بهشت هستیم ولی چون مقدمه‌اش مرگ است منصرف می‌شویم. قطاری به طرف بهشت روانه بود، تا به ایستگاه مرگ رسید همه پیاده شدند و صبر نکردند به بهشت بروند ولی حضرت قاسم یک نوجوان سیزده ساله «کیف المؤت عندک» نوجوانی که فرمود: عموجان من کشته می‌شوم، امام به سؤال قاسم جواب ندادند. «کیف المؤت عندک» مرگ در کام تو چگونه است؟ پاسخ داد «أحلی من العسل» یعنی از عسل شیرین‌تر نبود که قاسم انتخاب کند. شیرین‌تر از عسل، امام یک نگاهی کردند و فرمود: قاسم بزرگ شده است. کاری به سن او نیست. «هو اکبر منی و أنا أسن منه» او بزرگ شده است. بله پسر برادرم تو هم شهید می‌شوی. ولی موقع مرگ قاسم امام خیلی سوخت. آنقدر حضرت قاسم به زمین پا زد که وقتی حضرت بالای سرش آمدند خیلی منقلب شدند. برای عمو سخت است که او را صدا بزند و نتواند جواب بدهد. یا بیاید نتواند گره گشایی بکند و در همان حال از دنیا رفت. «صلی الله علیکم یا أهل البیت النبوه و رحمة الله و برکاته»
شریعتی: انشاءالله همه ما مشمول شفاعت و دستگیری اصحاب و یارانشان و امام حسن مجتبی و حضرت قاسم و حضرت عبدالله شویم. بهترین‌ها را برای همه شما آرزو می‌کنم. پرسید چرا 72 دلیل آوردی و جهان مجاب شد!
«السلام علیک یا أبا عبدالله»